

اهمیت طراحی پارچه در صنعت نساجی ایران

در گفتگویی با دکتر ابوالفضل داوودی

تهیه و تنظیم: عالیه سلطانی ، محبوبه آذرزاده

در نشستی با دکتر ابوالفضل داوودی ، رئیس دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد و آقای سیدجواد درخشن ، دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس به بررسی ارتباط طراحی پارچه نساجی ایران پرداختیم و همچنین بررسی وضعیت امروز آموزش طراحی پارچه و لباس در مقطع آموزش عالی ، خروجی این رشته و پیوند طراحان دانشگاهی با هنر طراحی پارچه از دیگر موضوعات مورد بحث بود.

سیدجواد درخشن: دکتر داوودی لطفاً در خصوص برنامه‌ها ، اهداف آموزشی و چگونگی ایجاد و توسعه رشته‌های هنری در دانشگاه آزاد یزد و همچنین چگونگی تبدیل شدن گروه طراحی پارچه و لباس این دانشگاه به دانشکده هنر و معماری قدری برایمان صحبت کنید.

دکتر داوودی: من معتقدم یزد با توجه به موقعیت فرهنگی بسیار غنی و موقعیت مطلوب جغرافیایی که در منطقه مرکزی ایران دارد می‌تواند مناطق مرکزی و جنوبی ایران را در پیشبرد برنامه‌های آموزشی یاری کند ، در حقیقت این مسأله که چرا دانشجویان علاقه‌مند به هنر در مناطق مذکور برای تحصیلات تکمیلی خود تنها می‌بایست یک گزینه و آن هم فقط تهران را انتخاب کنند برایم غیر قابل قبول بود. در ضمن بر این باورم که یزد می‌تواند قطب هنر و معماری این کشور باشد.

به یاد می‌آورم که یک شب از اواخر پاییز بود که این جمله را نوشتم: "یزد می‌تواند قطب هنر و معماری کشور شود." برای محقق شدن این هدف ، برنامه‌ای ۵ ساله را برای خودم تنظیم کردم که با آن بتوانیم رشته‌های متعدد هنری را در واحد دانشگاه آزاد اسلامی یزد ایجاد کنیم. اولین قدم ساماندهی و تأسیس سه رشته هنری بود که می‌توانست با فضای صنعتی شهر یزد که بخش قابل توجهی از آن را صنعت نساجی تشکیل می‌دهد به خوبی هماهنگ شود. یعنی رشته‌های: طراحی پارچه و گرایش‌های مرتبط با آن ، (بافت ، چاپ ، و طراحی لباس و طراحی دوخت) و اولین دانشکده طراحی پارچه و لباس را در ایران ایجاد کنیم و این کار هم شد.

و در ادامه برنامه‌های دانشکده ، هدف را تأسیس رشته کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس گذاشتیم امری که سالیان سال علاقه‌مندان به این رشته انتظار آن را می‌کشیدند. و برخی نیز می‌بایست برای تکمیل دانش خود به خارج از کشور عزیمت کنند به هر حال سرفصل ارشد توسط دوستانی که جای دارد در اینجا از آن‌ها تشکر کنم مانند مهندس خجسته ، آقایان کریم‌نژاد ، درخشن و... اینجانب نوشته شد. سپس موضوع را با دکتر جاسبی مطرح کردیم و ایشان پذیرفتند. و گفتند حتی قطب هنری جدایی از دانشگاه آزاد اسلامی یزد بشوید. با دانشکده هنرشدن در صورت داشتن شرایط موافقم. باید دید در آینده چه می‌شود و به خواست خدا در حال حاضر در



این رشته هم خدمتگذار علاقه‌مندان هستیم. دومین قدمی که برای اعتلای هنر یزد برداشته شد اینکه تمام رشته‌ها از کاردانی تا دکتری هر آنچه که باید را در مجموعه آموزشی استان یزد داشته باشیم و هر آنچه هم که نیست را به وجود آوریم. شاید خیلی از رشته‌ها در آموزش هنوز تعریف نشده است، اما پیگیری صورت گرفته، این کار محقق شد و در نهایت ما به دانشکده هنر و معماری تبدیل شدیم و در حال حاضر اکثریت رشته‌های هنر در مقطع لیسانس و ۱۰ رشته کارشناسی ارشد هنر را ایجاد کردیم. **سیدجواد درخشن:** با توجه به اینکه در اکثریت کشورهای دنیا رشته‌های هنر تا مقطع دکتری هنر تعریف شده است، لطفاً در خصوص چالش‌های ایجاد رشته‌های هنری در ایران بیشتر توضیح دهید. **دکتر داوودی:** بله متأسفانه این مسأله مهمی است که همواره از سوی علاقه‌مندان به تحصیلات تکمیلی هنر نیز مطرح می‌شود در واقع ایران از نظر اساتید هنر با مدارک دانشگاهی دچار کمبود است و کسانی که سیاست‌گذاری می‌کنند در آموزش عالی نگاهشان به هنر مثل رشته برق و رشته مهندسی است و می‌گویند این رشته را می‌خواهید ایجاد کنید!! دکتری در این رشته وجود ندارد دکتری نقاشی و دکتری گرافیک را از کجا پیدا می‌کنید. هرچه دکتری داریم دکتری پژوهش هنر هستند و این مشکلات جلوی حرکت ما را می‌گیرد.

هر چند که من معتقد هستم نباید از دانش و تجربه بالای استادکاران غافل شد، نهایتاً با تمام مشکلات و موانع به این سمت رفتیم و اکنون ۱۰ رشته پژوهش هنر، نقاشی، گرافیک، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، معماری، مرمت اشیاء و آثار هنری، مرمت بناهای تاریخی، طراحی پارچه و لباس در دانشکده ما ارائه می‌شود و دنبال این هستیم که تا مهرماه سال ۹۳ سه رشته دکتری را ایجاد کنیم دکتری طراحی پارچه و لباس، دکتری فلسفه و دکتری پژوهش هنر. **سیدجواد درخشن:** از چه زمانی اهمیت مبحث طراحی پارچه در صنعت نساجی ایران نظر شما را جلب کرد؟

دکتر داوودی: از زمانی که در کتاب‌های قدیمی و سفرنامه‌ها می‌دیدم از صنعت نساجی، به عنوان **هنر صنعت نساجی** یاد شده و هیچ‌گاه صنعت نساجی به صورت محض مطرح نشده است، نسبت به این مسأله حساس شدم. پیشینیان به صنعت نساجی به عنوان هنر صنعت نگاه می‌کردند و همواره جنبه هنری آن قوی‌تر از جنبه صنعتی مدنظر بوده است. در سال‌های اخیر صنعت نساجی ما فعال بوده، اما یک حلقه گمشده‌ای با بازار داشته است. نمی‌توانست خودش را به مردم عرضه کند. این صنعت، بیشتر به سمت کپی‌کاری رفته بود و هیچ خلاقیتی در آن وجود نداشت. این در حالی است که با نگاه به پارچه‌ها و لباس‌هایی که در موزه‌های سراسر کشور به نمایش گذاشته می‌شوند، شاهد یک تفکر و خلاقیت عمیق در این پارچه‌ها هستیم که در هیچ جای دیگری نمی‌توان آن را مشاهده کرد. بهترین پارچه‌هایی که در موزه‌های دنیا هست پارچه‌های ایرانی هستند. و متأسفانه به راحتی از ایران خارج شده‌اند. شاید اگر خواسته باشند یک سنگ قدیمی را از ایران خارج کنند، کسانی هستند که مانع می‌شوند در صورتی که پارچه‌های قدیمی به راحتی خارج می‌شوند و می‌بینیم موزه‌هایی مثل: برلین: گنجینه منسوجات، مسکو: موزه کاخ اورژینایا، لندن: موزه ویکتوریا و آلبرت و بسیاری دیگر از موزه‌های دنیا اشاره کرد که پارچه‌های ایرانی را با افتخار به نمایش گذاشته‌اند.

در واقع حلقه مفقوده صنعت نساجی ایران، پارچه‌ای است که تولیدکننده صرفاً می‌خواهد بیافد و این فقط یک تار و پود نیست که براساس یک تکنیک بافته شود. در واقع پارچه به طرح نیاز دارد در این زمینه هم صنعتگر ما منتظر بوده که پارچه از جاهای دیگر بیاید، یک تکنسین از روی آن کپی برداری کند. در واقع هنر طراحی که از آن جدا شده بود، باید به صنعت نساجی ایران این هنر (طراحی پارچه) برمی‌گشت. به همین دلیل در دانشگاه‌های الزهراء و هنرهای زیبا طی ۳۰ الی ۴۰ سال است که بیشتر با نگاه هنری تدریس می‌شود ولی چندان نتوانسته‌اند با صنعت نساجی خودشان را هماهنگ کنند تا تغییر و تحولی در صنعت ایجاد نمایند. این در حالی است که ما این هنر را به صنعت نزدیک کردیم و آن را هنر کاربردی کردیم نه هنر محض.

سمت و سوی درس‌ها را عوض کردیم و سرفصل‌ها را تقسیم کردیم و مباحث تئوری و آزمایشگاهی و عملی را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار دادیم. بدین صورت، درسی که یک استاد در دانشگاه‌های دیگر از صبح تا ساعت ۴ الی ۵ بعد از ظهر تدریس می‌کرد را تفکیک کردیم،

به‌گونه‌ای که کارهای طراحی به یک استاد، کارهای کامپیوتری و کارهای عملی و کارگاهی به اساتید دیگری محول گردید. هر چند که هماهنگ کردن این اساتید سخت بود اما امروز با صراحت می‌گوییم، موفقیت دانشجویان به خاطر همین شیوه و تقسیم‌بندی سرفصل هر درس می‌باشد.

یادم می‌آید یک‌بار پارچه‌ای را در همان سال‌هایی که این رشته راه‌اندازی شده بود دیدم که برایم جذابیت داشت از آن عکس گرفتم و به آقای درخشن که نشان دادم، گفتم: این کاریکی از بچه‌های خودمان است فکر نمی‌کردم که به این زودی آثار دانشجویان گسترده شده باشد. در پل چوبی تهران کارهایی را دیدم و از روی سبک طراحی آن فهمیدم که کار بچه‌های خودمان است که در کارخانه‌ها مشغول کار شده‌اند. سبک کار بچه‌ها دیگر دستمان آمده و وقتی کار را می‌بینیم، می‌توانیم تشخیص بدهیم که این طرح و کار، کار چه کسی است. متأسفانه بعضی از افراد وقتی می‌بینند، جایی دارد رشد می‌کند، بدلکاران آماتور با نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌آیند کار را خراب می‌کنند. این بزرگترین ضربه به صنعت نساجی و واحدهای آموزشی محسوب می‌شود. در طراحی‌ها از خلاقیت به‌عنوان جوهره اصلی کار، دیگر خبری نیست. ما تلاش کردیم جلوی این مسأله را بگیریم و خواستیم دانشجوی، با خلاقیت شخصی خود، طرح‌ها را ایجاد نماید.

ضمن اینکه در تمامی این سال‌ها تلاشمان بر این بود تا از تکنولوژی جهانی دور نباشیم. به‌عنوان مثال با خرید نرم‌افزارهایی مثل بوریلا، آرشم، ایت و... خود را با معیارهای آموزش جهانی هماهنگ کنیم و شرایطی را فراهم کردیم تا دانشجو بتواند با سرعت بیشتری ایده‌هایش را به ظهور برساند. دیگر لازم نیست دانشجو تمام مراحل کار را با دست انجام دهد و با نرم‌افزار خیلی سریع‌تر به هدفش می‌رسد. ضمن اینکه دانشجو برای ورود به بازار کار باید مهارت لازم را داشته باشد. البته همچنان من اعتقاد دارم که بنیان کار از نظر طراحی و مبانی پایه باید درست باشد و نرم‌افزار ابزاری است برای نشان دادن این اصول نرم‌افزار را با یک دوره آموزشی ۴۵ روزه می‌توان یاد گرفت و بدلکاران آماتور

این در خیلی از زمینه‌ها مصداق دارد، در طراحی لباس نیز با همین مسأله روبه‌رو هستیم. لباس‌های قدیمی در بردارندهٔ هویت، شخصیت و اصالت خانوادگی بوده است و لباس‌های ما...! لباس باید هویت شخصی که آن را پوشیده است را بیان کند.

سیدجواد درخشن: آیا دانشکده شما اقداماتی در جهت ارتقاء این رشته در سطح جهانی انجام داده است؟

دکتر داوودی: رشته‌هایی نظیر طراحی که همواره با پدیده‌های جهانی مد مواجه هستند می‌بایست به‌طور مستمر در جریان حرکت‌های روز طراحی قرار بگیرند تا بتوانند به حیات خود ادامه بدهند. به همین دلیل ما سعی کردیم همواره تعدادی از اساتید و دانشجویان را جهت کسب آگاهی از معیارهای جهانی برای بازدید از نمایشگاه‌های نساجی و طراحی پارچه به ترکیه و آلمان بفرستیم و حتی تعاملاتی با دانشگاه‌های این کشورها داشته باشیم.

لازم می‌دانم در اینجا به این نکته نیز اشاره کنم دانشکده ما به‌عنوان اولین واحد دانشگاهی طراح پارچه سابقه حضور در نمایشگاه منسوجات خانگی فرانکفورت را سال ۱۳۹۰ داشت و توانست با یک دستاورد منحصر به فرد (ارائه کتاب‌های تک نسخه‌ای طراحی) در بین رقبای جهانی خود نتایج مطلوبی را کسب کند.

سیدجواد درخشن: در تکمیل سخنان آقای دکتر داوودی باید در مورد اینکه طرح‌ها اصیل باشند و بنیه داشته باشند یک مثالی بزنم. کارخانه‌ای در ترکیه هست که ۸ ماشین بافندگی دارد و ۴۵ طراح و ۴ نفر روی مناطق مختلف دنیا کار می‌کنند و اگر یادتان باشد یک دوره‌ای پارچه‌های هخامنشی وارد بازار شده بود که اولین بار توسط همان کارخانه تولید شده بود. آن‌ها روی فرهنگ ایران مطالعه کرده بودند. طرحی را زدند که هویت داشته باشد طرح هویت‌دار طرحی است که روی پیشینه فرهنگی و تاریخی بشر کار کند و صرفاً کپی‌کاری نباشد.

سیدجواد درخشن: با توجه به خدمات ارزنده‌ای که در زمینه آموزش طراحی پارچه انجام داده‌اید باید شمارا یکی از حامیان بزرگ آموزش نوین طراحی پارچه در ایران نامید.

چیدمان: در جلسهٔ چالشی که با دوستان و اساتید طراحی پارچه و لباس دانشگاه آزاد اسلامی داشتیم این موضوع مطرح شد که همانند سایر رشته‌های هنری، بعضی مباحث باهم خلط می‌شود و این باعث می‌شود که دانشجویان بدون تخصص فارغ‌التحصیل شوند. این گونه مطرح شد که در مقطع ارشد به‌خاطر بعضی از سر فصل‌های درسی این اتفاق می‌افتد و مبحث بافت و چاپ و لباس یکی شده است.

دکتر داوودی: ما وقتی می‌خواستیم این سه مبحث را از هم جدا کنیم کار سختی را در پیش روی داشتیم و باید به‌طور جداگانه به وزارت اعلام می‌کردیم و... نهایتاً طراحی پارچه و لباس را آوردیم و دیدگاه هم این بود که یک تفکری در ارشد ایجاد شود. اعتقاد داریم که دانشجویان تمام تکنیک‌ها را در دورهٔ کارشناسی در یکی از سه تخصص طراحی بافت پارچه، طراحی چاپ پارچه و طراحی لباس آموخته است. خواستیم در مقطع کارشناسی ارشد تفکری جدید ایجاد نماییم تا دانشجویان بتوانند هویت و خلاقیت را ایجاد کنند و در نهایت با استفاده از آن دانشی که در دورهٔ کارشناسی یاد گرفته، به اضافهٔ این تفکر، بتوانند یک سبک و روش جدیدی ایجاد کنند و طرح‌های اصیل ایرانی ایجاد نمایند. ضمن اینکه باید این نکته را هم اضافه کنم که برای تبدیل شدن به یک طراح تمام‌عیار دانشجویان باید مقطع تحصیلات تکمیلی (ارشد) را انتخاب کنند. و در آن تلاش‌های مضاعفی نسبت به مقطع لیسانس از خود نشان دهند تا بتوانند از سه مبحث مذکور نکاتی را فرا بگیرند.

سخن آخر...

اگر دوستان بخواهند کاری انجام دهند، بایستی با یک نگاه ملی به عرصهٔ هنر وارد شوند. یزد می‌تواند قطب هنر و معماری کشور شود به شرط این که نگاه مسؤولین به هنر خوب باشد. مشکل بزرگ ما عدم دید مثبت به هنر است که امیدوارم جهشی در این بخش صورت گیرد تا در نوع تفکر و سبک زندگی مردم تأثیرگذار باشد. ■

بر این باورند که دیگر نیازی به درس خواندن و دانستن مبانی و پایهٔ هنری نیست و با این نرم‌افزارها و ابزار می‌توان در کارخانه و هر واحد صنعتی دیگر کار کرد. این باور باعث می‌شود که پارچه‌های ما بی‌هویت شوند. پارچه‌های ما امروزه بی‌هویت هستند، چون کسانی که مشغول کار هستند فقط کار با نرم‌افزار را می‌دانند و هیچ‌گونه پشتوانه‌ای از تفکر هنری و هویت فرهنگی، ملی و ایرانی ندارد. ولی کسی که مبانی، طراحی و دروس تئوری (تاریخ هنر و مبانی نظری هنر) را خوانده است، طراحی اولیه‌اش براساس یک هویت است. الان پارچه‌های ما بی‌روح‌اند. چون طراحان آن (پارچه‌ها) طراح نیستند و تکنسینی هستند که فقط نرم‌افزار را بلد هستند و بیشتر اپراتور کامپیوترند و شرکت‌های نساجی هم دنبال آن هستند و با فارغ‌التحصیلان این رشته ارتباط برقرار نمی‌کنند و اکثریت آن‌ها واهمه دارند که طرح‌شان به دست دیگری افتد باعث می‌شود که آشنایان و یا حتی فرزند خود را با آموزش یک دورهٔ طراحی کامپیوتری به کار گیرند.

باید روح در پارچه‌های بافته شده حاکم باشد که در جامعهٔ کنونی ما به این شکل نیست و چنانچه یک طراح چاپ یا بافت طراحی آن را انجام دهد. مطمئناً ساختار پارچه‌ها مطلوب واقع خواهد شد. امری که متأسفانه صنعت ما از آن فاصله گرفته است به‌عنوان مثال در صنعت فرش، در طرح‌ها و نوع نقش، نوع رنگ‌بندی چقدر روح در آن حاکم است و همین بته جقه و هر چیز دیگری که از قدیم داریم و از آن استفاده می‌کنیم به‌خاطر روح حاکم قبلی است و ما چیزی به آن اضافه نکرده‌ایم.

نگاه امروزی باید تخصصی باشد. افرادی باید با یک تفکر به خلق طرح‌ها و نقش‌ها بپردازند. در حال حاضر در دانشگاه دانشجویانی داریم که نقش‌ها و طرح‌هایی را ایجاد می‌کنند که این نقش‌ها و طرح‌ها می‌تواند بته جقه‌های آینده باشد و می‌توانیم طرح‌هایی داشته باشیم که تاریخ و هویت این نسل را بیان کند و حرفی برای گفتن داشته باشیم. مثل ما که الان داریم به بته جقهٔ قدیم افتخار می‌کنیم، آیندگان نیز به طرح‌ها و نقش‌های دورهٔ ما افتخار کنند. اما متأسفانه در حال حاضر چیزی برای فخر فروشی تولید نمی‌شود.

